

## اشکا نیان

شاهنشاهی اشکانی، بلند مدت ترین حکومت تاریخ ایران محسوب می شود. از به تخت نشستن ارشک اول (248 پ م) تا سرنگونی اردوان چهارم به دست اردشیر پابکان (226 ب م)، اشکانیان به مدت 476 سال به تمام یا قسمتی از ایران فعلی و سرزمینهای پهناور دیگری در حاشیه فلات ایران حکومت کردند. به دلیل کمبود اطلاعات در مورد این سلسله، نوشته های درمورد آنها به نوشتن خلاصه ای از تاریخ پرفراز و نشیب این سلسله بسنده می کنند واکثراً" وارد جزئیات تاریخ آنها نمی شوند. از جمله جزئیات مهم در سرگذشت شاهان اشکانی، شرایط به سلطنت رسیدن آنها و ترتیب سلطنتی پادشاهان آنست که گنگی هردو این مسائل، سالهاست دانشمندان بسیاری را به خود مشغول کرده. این نوشته سعی در ارائه دادن نقطه نظرهای مختلف در

این مورد دارد و در ضمن، نظریات جدیدی که شاید راهگشای حل مسئله ترتیب شاهان اولیه اشکانی باشد را نیز ارائه می کند

اشکانیان (۲۵۰ پ. م. ۲۲۴ م.) که از تیره ایرانی پرنی و شاخه‌ای از طوایف وابسته به اتحادیه داهه از عشایر سکا‌های حدود باختر بودند، از ایالت پارت که مشتمل بر خراسان فعلی بود برخاستند. نام سرزمین پارت در کتیبه‌های داریوش پَرثَوَه آمده است که به زبان پارسی پهلوی می‌شود. چون پارتیان از اهل ایالت پَهَلَه بودند، از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را پهلوی نیز می‌توان خواند. ایالت پارسی‌ها از مغرب به دامغان و سواحل جنوب شرقی دریای مازندران و از شمال به ترکستان و از مشرق به رود تجن و از جنوب به کویر نمک و سیستان محدود می‌شد. قبایل پارسی در آغاز با قوم داهه که در مشرق دریای مازندران می‌زیستند در یک جا سکونت داشتند و سپس از آنان جدا شده در ناحیه خراسان مسکن

## گزیدند.

این امپراتوری در دوره اقتدارش از رود فرات تا هندوکش و از کوه‌های قفقاز تا خلیج فارس توسعه یافت. در عهد اشکانی جنگ‌های ایران و روم آغاز شد. حاصل عمده فرمانروایی اشکانیان، رهائی کشور ایران از سلطه همه جانبه یونانی که هدف نابودی ایران گرائی رادر سر می‌پروراند و حفظ تمدن ایران از تهاجمات ویرانگر طوایف مرزهای شرقی و نیز، حفظ تمامیت ایران در مقابل تجاوز خزنده روم به جانب شرق بود. در هر سه مورد، مساعی آنان اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای تاریخ ایران داشت. جنگ‌های فرساینده با روم عامل عمده‌ای در ایجاد ناخرسندی‌هایی شد که بین طبقات جامعه حاصل می‌شد.

نظام ملوک‌المطوایفی (استان‌مداری) که اسباب فقدان تمرکز در قدرت بود، اختلافات خانوادگی که همین عدم تمرکز آن را مخاطره‌آمیزتر می‌کرد و نفرت و مخالفت موبدان زرتشتی که سیاست تسامح و اغماض دینی (

یا به عبارت صحیح تر نفرت و مخالفت مغان به سیاست آزادی دینی اشکانیان که متضاد با انحصار طلبی ایشان بود) اشکانیان را به نظر مخالفت می‌دیدند، از عوامل انحطاط دولت اشکانیان شد.

اشکانیان در اثر اختلافات داخلی و جنگ‌های خارجی در مدت پنج قرن در شرق و غرب به تدریج ضعیف شدند تا سر انجام به دست اردشیر مغ اردشیر اول ساسانی منقرض گردید.

اشکانیان به یاری و پشتیبانی بزرگانی که مانند خود آنها از تیره ایرانی شمالی داهه بودند، با سربازگیری و لشکرکشی، نخست بر بخش پارت چیره شدند و پس از آن به گشودن سراسر ایران پرداختند و دولت ایرانی تازه‌ای به میان آوردند و باز هم آداب و آیین هخامنشی و ایرانی را رواج دادند. قدرت نخست از غرب و جنوب غربی به سوی شمال کشور، جابجا شد و مردم آن جا (شمال شرق) صفات ایرانی را پلک‌تر نگه داشته بودند. بنا بر

این دولت اشکانی با وجود رنگ یونانی اندکی که داشت، از دیدگاه ایرانی بودن حتا پلک‌تر از دولت هخامنشی بود.

## ساتراپی پارت

پس از فتح ایران به دست اسکندر مقدونی و مرگ او، ایران به سلوکوس سردار مقدونی رسید؛ نخستین برخورد او با همسایگان ایران در مرزهای جنوب شرقی روی داد که نتیجه آن واگذاری بخش خاوری ایران به چاندرانگوپتا پادشاه هند از سلسله مائوریا بود. در حدود ۲۸۱ پیش از میلاد اقوام بربر (به

گفته منابع یونانی) به شمال شرقی ایران یورش بردند و شماری از شهرها از جمله چند مهاجرنشین یونانی را ویران ساختند. آنتیوخوس یکم پس از دفع این یورشها شمار مهاجرنشینان یونانی را افزایش داد و مرگیان را به صورت سنگر و بارویی درآورد، همچنین دو لشکر کشی به مرزهای شمال شرقی ایران انجام داد، یکی دریایی به فرماندهی پاتروکلوس در امتداد کرانه‌های خاوری دریای مازندران و دیگری زمینی

به فرماندهی دموداماس به آن  
 سوی سیردریا (سیحون) که به  
 تأسیس دو استان آنتیوکیس و  
 سلوکیس انجامید. در ۲۵۰ پیش  
 از میلاد آندراگوراس شهرب  
 پارت و دیودوتوس شهرب  
 (ساتراپی) باکتریا (بلخ) اعلام  
 استقلال نمودند؛ دیودوتوس خود  
 را شاه خواند و قلمرو یونانی -  
 بلخی را تأسیس نمود.

پیدایش

به عقیده یوزف ولسکی،  
 ارشک (اشک) در سلالهای

۲۳۸/۲۳۹ پیش از میلاد و  
در زمان پادشاهی  
سلوکوس دوم  
کالمینیکوس به پارت  
یورش برد و بر  
آندراگوراس پیروز شد،  
سپس بر هیرکانی  
(گرگان) تاخت و آنجا را  
تسخیر نمود و  
شالوده‌های دستگانه  
اشکانی و پادشاهی



پارت‌ها را پی ریزی نمود.  
وی در آسلاک واقع در  
استاونه (آستوئن) در  
بخش شمالی قلمرو  
پارت که نسا هم در آن  
بود تاجگذاری کرد.  
سلوکوس دوم برای باز  
پس‌گیری سرزمینهای از  
دست رفته پادشاهی  
سلوکی دست به لشکر  
کشی به بخش‌های شمال

شترقی ایران زد، در  
تلاش برای دست یافتن  
به این هدف با دیودوتوس  
یکم شاه یونانی - بلخی  
پیمان یگانگی بست اما  
با مرگ دیودوتوس یکم و  
تغییر سیاست جانشین  
او، دیودوتوس دوم، که  
با اشک یکم متحد شد،  
سلوکوس دوم تنها ماند.  
اشک یکم به روش استپ

نشیزان به درون استیپها  
پس نشست تا شاید در  
دشتهای هموار آنجا از  
سواره نظامش بهتر بهره  
گیرد و سپس وارد نبرد  
شد. نتیجه نبرد پیروزی  
اشک یکم بود. از آن پس  
پارتها این روز را به  
عنوان روز استقلال  
جشن گرفتند. † اشک دوم  
پس از پدر در سال ۲۱۷

پیش از میلاد بر تخت  
پادشاهی نشست و روند  
گسترش قلمرو اشکانی  
را ادامه داد، وی اکباتان  
را نیز به قلمرو اشکانی  
افزود. در واکنش به این  
امر آنتیوخوس سوم پس  
از در هم شکستن  
شورش ساتراپهای باختر  
ایران رهسپار خاور شد؛  
اشک دوم به ناچار

اکباتان را رها نمود و  
همچون پدرش به  
استپ‌ها پس نشست.  
آنتیخوس پس از باز پس  
گیری شهرهای تامبراکس  
و سورینکس و چند  
پیروزی بر پارت‌های در  
حال عقب نشینی از پیش  
روی در استپها خودداری  
نمود و بنا به دلایل  
نامعلوم (شاید پس از

شکست از اوتیدم  
(جانشین دیودوتوس دوم  
شاه یونانی - بلخی) با  
اشک دوم صلح نمود.  
نکته جالب توجه در این  
عقب نشینی پارتها،  
کشتار همه یونانیان شهر  
سدورینکس بود؛ این  
مسئله در تضاد با  
جمله‌های حک شده بر  
پشت سکه‌های اشکانی

در آن دوره (فیل هلن  
[یونان دوست] است و  
این نشانه دهنده سیاست  
واقع بینانه شاهان  
اشکانی و آگاهی آنان از  
پیوندهای میان یونانیان و  
سلوکیان می باشد. پس  
از اشک دوم دقیقا  
مشخص نیست چه کسی  
جانشین او شده، نامهایی  
همچون وَرْدَان، وُزُون،

بلایش، خسرو و  
پارتامازیس آمده‌اند، با  
این حال بر سر کار آمدن  
نماینده شاخه فرزند  
کوچک تر یعنی فریپت  
(حدود ۱۹۱ تا ۱۷۵ پیش  
از میلاد) امری مسلم  
است. درباره پادشاهی او  
و جانشینش فرهاد یکم  
(حدود ۱۷۵-۱۷۶ پیش از  
میلاد) تقریباً چیزی



نمی‌دانیم، تنها در دو سند  
درباره پادشاهی فرهاد  
یکم آورده شده که او  
پس از شکست دادن  
قبیله «مردها» در المبرز  
آیشان را به خاراکس  
نزدیک دروازه‌های  
مازندران کوچاند.  
جانشین او مهرداد یکم  
(حدود ۱۷۱ تا ۱۳۸ پیش  
از میلاد) نخستین شاه

بزرگ اشکانی است که  
دولت پارت را به جایگاه  
یک امپراتوری خاوری  
رساند.

## شاهنشاهی

مهرداد یکم (۱۷۱ تا  
۱۳۸/۱۳۷ پیش از  
میلاد) با آگاهی از  
شرایط نابه سامان  
دولتهای بلخی و

سلاوکی نخست به  
خاور لشکر کشی  
نمود تا سرزمینهایی  
که اوتیدم در زمان  
پادشاهی اشک دوم  
و لشکر کشی  
آنتیوخوس سوم  
گرفته بود بازپس  
گیرد. در آن زمان

در بلخ پس از مرگ  
اوتیدم، فرمانروایی  
دوچاره شده بود،  
دمتریوس پسر او  
دولتی در هند تشکیل  
داده و اوکراتیدس  
غاصب قدرت را در  
بلخ غصب کرده بود.  
اما مهرداد یورش

اصلی خود را نه به  
خاور بلکه به باختر  
انجام داد. از مرگ  
آنتیوخوس چهارم  
اپیفان پس از یورش  
ناکامش به ایران که  
با پارتها تماسی پیدا  
نکرد، وضع سلوکیان  
بحرانی شد و

شَ هَرَبَ مَادَ بَه زَامَ  
تیمارخوس اعلام  
پادشاهی کرد.  
تیمارخوس پس از  
نبردهای طولانی از  
مهرداد شکست  
خورد و مهرداد ماد  
را نیز به فرمانروایی  
خود افزود و

باکازیس نامی را به  
حکومت آن نشانند.  
با تسخیر ماد راه  
ورود به میانرودان  
باز شد و مهر داد با  
بهره جستن از پیکار  
میان دمتریوس دوم  
سلاوکی و تریفون  
غاصب به میان

رودان تاخت و بابل و  
سلوکیه را گرفت،  
وی در سلوکیه با  
عنوان «شاهنشاه»  
تاجگذاری کرد در  
حالی که منطقه  
نفوذش در ۱۴۱ پیش  
از میلاد تا شهر  
اوروک در جنوب



بابل گسترش یافته  
بود.

دمتریوس پس از  
غلبه بر تریفون و  
دلگرمی از دعوت  
مادها و شهرهای  
یونانی خود را آماده  
جنگ با مهرداد نمود.  
از سوی دیگر خود

پارت مورد تهدید  
سکاهها قرار گرفته  
بود. مهر داد که با  
جنگی دو سویه  
روبرو شده بود، خود  
با بخشی از سپاه به  
هیرکانیه رفت و  
وظیفه رودررویی با  
دمتریوس را بر

دوش فرماندهان  
خویش گذاشت.  
دمتریوس پس از  
کامیابی های آغازین  
وارد ماد شد ولی  
شکست خورد و  
زندانی شد. او را در  
۱۴۱/۱۴۰ پیش از  
میلاد به هیرکانیه نزد

مهرداد فرستادند.  
مهرداد دختر خود  
رودوگون را به  
همسری او درآورد  
تا بعدها بتواند نقشی  
مناسب با اهداف  
شاه پارتها ایفا کند.  
سپس متوجه جنوب  
شد و سرزمینهای

عیلام، شوش و  
پارس را در ۱۳۹  
پیش از میلاد  
فرمانبردار خویش  
کرد. بدین ترتیب  
مهرداد توانست  
ظرف ده سال از  
۱۴۸ تا ۱۳۸ پیش از  
میلاد با پیکارهای

سخت و به برکت  
سپاه و سیاست  
جلب همکاری  
دودمانهای بزرگ،  
پارت را به مقام یک  
قدرت بزرگ برسانند،  
وی نه تنها دولتی  
بزرگ ساخت بلکه  
برنامه‌ای برای

اشکانیان به ارث  
گذاشت. مهر داد یکم  
نخستین «شاهنشاه»  
اشکانی در ۱۳۸/۱۳۹  
پیش از میلاد در  
گذشت و تاج و تخت  
را به جانشینش  
فرهاد دوم (از حدود  
۱۳۸ تا ۱۲۹ پیش از

میلاَد) سپرد.  
در زمان او دولتش  
که هنوز به اندازه  
کافی استوار نشده  
بود دوباره از دو سو  
مورد تهدید قرار  
گرفت؛ خطر یورش  
از آسیای میانه و  
یورش آنتیوخوس



هفتم سیدتس که  
کوشید در سالهای  
۱۲۹/۱۳۰ پیش از  
میلاد سلوکیان را  
(برای آخرین بار) بر  
خاور چیره سازد، او  
توانست پارتها را در  
سه نبرد شکست  
دهد و بابل و ماد را

تسخیر کند. فرهاد با  
آنتیوخوس وارد  
گفتگو شد اما  
شرایط شاه سلوکی  
را نپذیرفت و مترصد  
زمان مناسب شد.  
آنتیوخوس برای  
آسان نمودن تهیه  
آذوقه، سپاه خود را

در پایگاه‌های  
زمستانی شهرهای  
گوناگون پراکند.  
فرهاد به یاری  
تبلیغات ماهرانه  
ساکنان این شهرها  
را به هواداری از  
خود برانگیخت،  
سپس نقشه‌ای را به

اجرا گذاشت که در  
آن تهاجم هم‌زمانی  
به سپاهیان  
آنتیوخوس پیش بینی  
شده بود که کاملاً  
کامیاب از آب درآمد  
و آنتیوخوس در نبرد  
پس از آنکه  
سربازانش رهايش

نمودند شکست  
خورید و کشته شد(یا  
خودکشی کرد)، در  
نتیجه فرهاد بابل و  
ماد را گرفت و به  
طرح نقشه‌ای برای  
تاختن به سوریه  
دست زد. فرهاد  
باقی مانده سپاه

آنتیوخوس را به  
سپاه خود افزود  
(ولی با آنان رفتاری  
سخت گیرانه داشت)  
، پیشتر نیز از  
مزدوران احتمالاً  
سکایی بهره جسته  
بود، فرهاد دستمزد  
این مزدوران سکایی

را پس از پیروزی بر  
آنتیوخوس پرداخت  
پس آنان شورییدند و  
بر ایران یورش برده  
حتی بر میانرودان  
نیز دست انداختند،  
در جنگ میان فرهاد  
و سکاها زمانی که  
مزدوران یونانی

سپاه پیشین  
آنتیوخوس در لحظه  
سرنوشت ساز نبرد  
(۱۲۸ پیش از میلاد)  
به ایشان پیوستند در  
میدان رزم کشته  
شد. اکنون ایران در  
وضع ناگواری قرار  
گرفته بود چرا که



قبایل جنگجوی  
یو-تنشی به دولت  
یونانی - باختری  
(بلخی) تاخته و در  
حدود ۱۳۵ تا ۱۳۰  
پیش از میلاد باختر  
را اشغال نمودند.  
اردوان یکم در چنین  
شرایطی جانشین

فرهاد دوم شد. او  
نیز نتوانست خطر را  
دور نماید و سکاییان  
توانستند در خاور  
ایران یعنی زرنگ  
استقرار یابند؛ از آن  
پس نام درنگیانه به  
سیستان تغییر یافت.  
اردوان در نبردی در

حدود ۱۲۳/۱۲۴ پیش  
از میلاد در نبردی  
جان باخت. خطر  
همچنان شاهنشاهی  
پارت را تهدید  
می نمود. نشانه های  
فروپاشی در  
میانرودان دیده  
می شد،

هوسپائوسینس امیر  
عرب در حدود ۱۲۷  
پیش از میلاد شهر  
انطاکیه در مصب  
دجله و فرات در  
کنار خلیج فارس را  
گرفت و آنجا را  
خاراگس  
هوسپائوسینس

نامید. سپس بابل و  
احتمالاً سلوکیه را  
گرفت اما هیمروس  
سردار اشکانی او را  
پس راند و به نام  
خود در سلوکیه  
سکه زد.

وظیفه نوسازی  
قدرت اشکانیان بر

دوش پسر اردوان  
یکم یعنی مهرداد  
دوم (۱۲۳/۱۲۴ تا  
۸۸/۸۷ پیش از میلاد)  
افتاد. او نخست در  
۱۲۲/۱۲۱ پیش از  
میلاد بر  
هوسپائوسینس  
لشکر کشید و او را

شکست داده تبدیل  
به امیری دست  
نشانده کرد. بدین  
سدان میانرودان تا  
رود فرات از جمله  
شهر مرزی مهم  
دورا-اروپوس در  
سال ۱۱۳ پیش از  
میلاد به قلمرو

# شاهنشاهی اشکانی

پیوست. سپس  
دولت‌های کوچک  
شمال میانرودان  
یعنی گوردی یین،  
ادیابن و اسرائن  
فرمانبردار پارتیان  
شدند. آنگاه به خاور  
و سکاییان روی آورد



و پس از لشکر  
کشی پیروزمندانه  
سکاییان زیر فرمان  
دودمان سورین را به  
دولتی دست نشانده  
تبدیل نمود. وی پا را  
از مهر داد یکم نیز  
فراتر نهاد و رهسپار  
ارمنستان شد،

آرتاوانز شاه  
ارمنستان را  
فرمانبردار خویش  
نمود و تیگران پسر  
آرتاوانز را به عنوان  
گروگان به پارت  
فرستاد. رویدادهای  
بعدهی باعث مداخله  
دوباره ایران شد و

ارتش پارت، تیگران  
را به عنوان شاهی  
دست نشانده بر  
تخت پدر نشانند که  
او نیز ناچار «هفتاد  
دره» را در حدود  
۱۰۰ پیش از میلاد به  
ایران واگذاشت. در  
سال ۹۶ پیش از

میلااد نخستین دیدار  
میان اورباز فرستاده  
مهرداد دوم و  
کورنلیوس سولا  
فرمانده سپاه روم  
با موضوع ابراز  
دوستی مهرداد و در  
حقیقت آگاه شدن از  
اهداف رومیان روی

داد. مهر داد دوم  
دوباره شکوه را به  
ایران بازگرداند و  
همچون نیای  
همنامش، خود را  
«شاهنشاه» نامید.  
او با ووتی فغفور  
چین از سلسله هان  
(۱۴۱ تا ۷۸ پیش از

# میلاد) روابط سیاسی و بازرگانی برقرار نمود و زبان ایرانی را در نوشتارهای پادشاهی باب نمود. دگرگونی های درونی

# درباره دوره مهم برپایی شاهنشاهی، منابع فراوان تر، کتیبه‌ها، اسناد خط میخی، خرده سفالها و سکه‌ها

# پایه گسترده تری برای شناخت شخصیت شاهان، و هدف‌های سیاست داخلی و خارجی ایشان نسبت به دوره



پیدایش آنان در  
اختیار می‌گذارند.  
فرهنگ و تمدن

رشد ایران  
گرایی را

می‌توان از  
دوره مهر داد

یکم به روشنی  
دید. شکل و  
شماییل ایرانی  
تر شده چهره  
مهر داد یکم که  
با جامه‌ای

# باشکوه، گیسوانی بلند و ریشی انبوه و تاج بر سر در پشت سکه‌های آن دوره بی

# گمان نشان دهنده افزایش پیوندها با محیط ایرانی و جدا شدن از یونانی گرایبی

# است؛ گزیدن نامواره «شاهنشاه» نیز نشانه‌ای دیگر از توجه به سنتهای

# هخامنشی است. ظاهراً شکی نیست که مدیریت دربار اشکانی برای اداره

# کشور از زبان آرامی بهره می‌جستند (مدارک یافته شده در نسا) و این دلیلی

است از دید  
دشمنانه آنان  
نسبت به زبان  
یونانی، زیرا  
سرانجام نیز  
کاربرد زبان



# یونانی را منسوخ نمودند. گام بعدی آنان در این زمینه ایجاد زبان اداری ایرانی

بود.

باتری تیسفون  
(باتری بغداد)

در سال

۱۳۳۰.

خورشیدی،

# باستان شناسی آلمانی ویلهلم کونیک و همکارانش

# در نزدیکی تیسفون ابزارهایی از دوران اشکانیان را

# یافتند. پس انز بررسی معلوم شد که این ابزارها

# پیل های الکتریکی هستند که به دست ایرانیاں در

# دوران اشکانیان ساخته شده و به کار برده می شده اند.

# او این پیل های تیسفون را B agdad Battery



# نامید . اکتشاف این اختراع ایرانیان به اندازه‌ای

# تعجب و شگفتی جهانیان را بر انگیزت که حتی

# برخی از دانشمندان اروپایی و امریکایی این اختراع

# ایراننیان را به موجودات فضایی و ساکنان فراهوشمند

# سیارات دیگر که با بشقاب های پر زنده و کشتی های

# فضایی به زمین آمده بودند، نسبت دادند، و آن را فراتر از

# دانش اندیشمندان و پژوهشگران ایرانی

# دانشتند . برای ایشان پذیرفتنی نبود که ایرانیان



۱۵۰۰ سال

پیش از  
گالوای

ایتالیایی (۱۷۸)

۶ میلادی

# پیل الکتريکی را اختراع نموده باشند. ۲۰۰۰ سال

# پیش از اینکه کنت ولتا الکتر ودهای مشهور خود

# را به پای قورباغه متصل کند، باتری الکتریکی

# مورد استفاده ی پارتیان (اشکانیان) بوده . این

# باتریها به باتری های بغداد مشهورند. با روش

# ”تعیین عمر کربنی (Rad) iocarbon dating (“دریافتند

که قدمت  
این پیل‌ها به  
200 پ.م.  
می‌رسد.  
این پیل‌ها



# دارای بدنه ی بیرونی از جنس ارتن ویر بوده که حاوی میله

ای آهنی  
است و به  
وسیله ی  
بخششی از  
بدنه ی

# ملسی (میلہ) ی آہنی دروین استوانہ ی ملسی)

# ایزوله شده است. زمانی که درون محفظه با

# محلولی المکتر و لیت مانند ایلیمو پر شود، این وسیلہ

# جریان الکتريکی خفیفی تولید می کند. آزمایش های

بعدي نشان  
داد که اين  
وسيله  
ممکن است  
برای آبخاری

# جواهرات به کار می رفته در سال ۱۹۳۸



# بایستادن شناس آلمانی ویلهلم کوئیگ که

# در آن زمان اداره ی موزه ی بغداد را به عهده

# دانشت، در زیر زمین این موزه به جعبه ای برخورد که

ثبیئ (اشیا)

عجیبی در

خود داشت.

او پس از

تحقیقاتی به

# این نتیجه رسید که این وسیله شبییه یک باتری مدرن

# است. او در مقاله ای این مطلب را منتشر کرد و از

# این وسیله با عنوان باتری باستانی یاد کرد که برای

# آبکاری و انتقال لایه ای از طلا یا نقره از سطحی به



# سطح دیگر به کار می رفته . وی همچنین این تئوری را

# مطرح کرد که احتمالاً با اتصال چند باتری باستانی

# قادر بودند که (ولتاثر) خروجی بیشتری تولید کنند.

# ویلارد گری Willard ( Gray) ، یک مهندس برق شرکت

# جنرال المکتربیک در ایالت ماسداچووس ت، پس از

# مطالعه ی مقاله ی کونینگ تصمیم گرفتن این

باتری را  
بازسازی  
کند. زمانی  
که او درون  
کوزه ی

سفالین را

با آب

انگور،

سدرکه یا

محلول



# سولفات مس پر کرد موفق به تولید و لتاثر حدود 1.5

# تا 2 ولت شدد. در 1978 دکتر اگبریشیت مصر

# شناس مشهور نمونه ای از باتریهای بغداد را

# بازسازی کرد و آن را با آب انگور پر نمود و توانست

# ولتاثر 0.87 ولت تولید کند که انز آن برای طلاکاری

# یک پیکره ی نقره امی استفاده کرد. او از این آزمایش

# نتیجه گرفت که بسیاری از اشیای باستانی که در موزه‌ها

# به عنوان طللا در نظر گرفته می شوند ممکن



است نقره  
هایی باشند  
که آب طلا  
داده شده  
اند.

# نمونه های پیشتری از این باتری های بایستانی در

سال 1999

توسط

دانشجویان

دکتر Marj

orie

# Senechal

## ، استاد

## ریاضیات و

## تاریخ علم

## در

# Smith College مالساچوس ت، ساختہ شد. آنها با

# پر کردن گوزه ی آن با سرکه قادر به تولید ولتاژ

# 1.1 ولت

## بودند.

## علاوه بر

## تئوری

## استفاده از

# این باتریها برای آبکاری فلزات، تئوری های



# دیگری مبنی بر استفاده ی پزشکی یا موارد دیگر

# داده شده ایرانینان از این پیل های الکتریکی جریان برق

# تولید می کردند و انز آن برای آبکاری اشیا زینتی

# سود می جستند. اما در پهنه دریپانوردی ایرانینان از

# ایین اختراع جهت آبکاری ابزارهای آهنی در

# کشتی و جلوگیری انز زنگ زدن و تخریب آنها

# استفاده می کردند. ارتش اشکانیان

# نخست رویش جنگی سلاوکیان



# رای به کار بستند و پیداده نظام سنگین

# اسلحه و سواریه نظامی مرتب پدید

# آوردند ولی به زودی این روش را

# کنار گذاشته و شیوه دیرینه

# خود را به کار بردند. در این شیوه

پیداده نظام

تنها برای

نبرد در

بلندی ها

# استفاده می شد و سواریه نظا م نیروی

# اصلی سپاه را تشکیل می داد.



# سواریه نظا م اشکانی به نیزه داران

# سبک اسلح

ه و

سواران

سنگین ا

# سلسله تقسیم می شدند. سواران

# سبک اسلح

۵

ماه رتیرین

تیر اندازان

زمان خود

بودند.

سواران

سنگین ا

# سلسله زرهی دانشتند که سدرتاپای

# ایشان را میپوشانید و اسبانندان

نیز چنین

زرهی

داشتند. از

آنها برای



# درهم شکستن صفوف دشمن و

انز

سواران

سبک اسلح

ه برای

# پشتیبانی و نیراندازی انز دور

# استفاده

# می شد.

# شبیوه<sup>ء</sup>

# مخصوص

# اشکانیان

## و به

## خصوص

## سواران

سبک اسلح

ه ایشان

شیوه

جنگ و

گریز بود.

ولی

ارتش

اشکانی

دچار

ضعف

مرکزی

بود. سپاه



# اشکانی انز تریبیت نظامی و صفوف

# متشکل متمرکز و سازمان یافته

# ترکیب نمی یافت . در نبردها سپاه

# کشور از سردبازانی تشکیل می شد که

# زیر دست آزادگان و فرمانروایان ن محلی

# هر کدام انز گوشه‌ای انز کشور

# به درگاه شاه می آمدند و بیشتر

# به فرمانروایان ن محلی خود



# وغادار بودند تا به شاه. این جوهر

# فئودالی و زدایشتن نظام فرماندهی

# متمرکز در نبردهای اشکانیان

بارومیان و

به

خصوص

در

# دوره های که چهار جنگ های داخلی

# بودند تأثیر گذائر بود. سیاست آنچنان

# که انز زنجیره رویدادها و حرکت

# اشکانیان

## (به ویژه)

## مهرداد

## یکم)



# برمی آید، سپاسست آنرا بن زنده

# نمودین شکوه گذشته شاهنشاه

ی  
هخامنش

ی  
بوده اس

# ت ساختار اقتصادی و تولید

# مهمترین عوامل تعیین کن

۴  
زنده

اقتصاد

در

# دوران اشکانی کشاورزی

# ی و بازرگانانی بودند.



# کشاورزی ی راه امرار

# معاش اکثریت جامعه

# بود و در روستاهای دامپرو

# ی نیز با کشاورز ی پیوند

# دانشت . صنایع و تولیدات

کارگاہی

سہم

کوچکی

# در اقتصاد ایین

# دوران دانشتند. در زمان



# اشکانیا

ن

بازرگانگی

# رونق بسیاری یافت.

# مهمترین عوامل این

# رونق راه های تجارتی

# و شبکه ها ی

# ارتباطی گسترده و امنی

# بود که اشکانیا ن برای

# نگهداری

# و گسترش



# آنها بسیار کوشیدند

۱. انز

راه های

درآمدی

زو

پررفت و  
آمد راه

اِدْرِيشِم

بُود كِه

بِين چِين

# و درپای مدیترانه به وجود

آمدن

بود.

وضع

# طبقاتی

بر طبق

مدارکی

# پادشاهان اشکانی گمان



# می رود که انز سالی

۵. پ. م.

یعنی

زمان

# استحکا م یافتن فرمانرو

# ایلی اشکانیا ن نا

# سلسله

# ۱۵۰

# میلادی

# سطح زندگی در

# ایران بسیار بلا

بوده اس

ت. پس

انز این



# دوران بر اثر نبرد های

داخلی

و

عوامل

# انحطاط

## ی دیر

## دروین

# جامعه فئودالی اشکانی

# و هم‌زمان با آنها

جنگهای

پدایی با

روم

# وضع اقتصاد ی

آشفته

شدد و

سطح



زندگی

در

ایران

# به تد ریح تزو و ل کردد .

# دیر جامعه اشکانی

# پس از شاه و خاندان

# شاهنشاهی

## فرمانروایی

# فرمانروایی

# ایمان و شاهان و پس

# انز آنها نجبیا و دیوانیان

بلندپایه

در

مرااتب



# بعدي قرار داشستند.

# پس این گروه ها

باززرگانان

ن و

گروه

# بزرگ کشاورز ابن و

پیشینه و ریا

ن

بودند.

# آداب و

# رسدوم

# اشکان

یابن

سعی

دیر احیا

# و پیروی انز



آداب و

رسدوم

اصیل

# ایپراننی می کرد ند و

می گو

شیدند

تا از

# تأثیرات فرهنگ یونانی

بکاهند.

البتہ

فرہنگ

# یونانی و آداب دیگر

# ملل نیز علاقه م زدانی

دانشت .

اشدراف

و



بزرگان

در

درویشان

# اشکانیان

# ی با

# السب

# عجین بودند و شیرین

ترین

تفریح

برای

# آنها شکاک بود.

چوگان

تیز که

در

# دوره اشکانیان پایان

# پدید آمدن نیز



تفریح

ت

محبوب

# بود انها علاقه

# بسیاری

# به

# جشن و

ضیافت

داشتند

و به

همین

دلیل

موسیقی

ی نیز

مورید

توجه

# بودد. انز زندگی عالمه

# مرگم به دلیل کمبود



# مدارک پاستان ی

اطلاعات

ت

زیادتی

در

دست

نیست.

# ادیان

## دین

## خانزادان

# اشکانیان

## ی به

## دلیل

# کمبود مدارک روشن

نیست

سداسا

نیان

آنها را

زرتشت

تی



نمی‌ش

مردند

و

پیدایش

ت که

این

گونه

بوده ا

ست

ولعی انز

نام های

شادان

آشکار

است

که به

# مهر اعتقاد داشته

# اشکانیان زمان شاهی

بدانش

یکم

توجه



پیشتر

ی به

دین

زریتش

تی

شدد.

# ایین شده فرمان

به  
جمع آو  
ری

# متوین پراکنده اوستا

داد و

انز

زمان

# اوشکانیان

## شاهان

## اشکانیان

ی بر

یک

روی



سکه ها

ی خود

تصدیر

آتشداد

نی را

نقش

می کرد

ند. در

این

دوره

تیز

مانند

# دوره هخامن شپان

دین ها

ی

مختلف

آزاد

بودند و

هیچ

سختگ

پیری در

این



کابر

نمی شش

د.

اکثریت

مردم

ادیان

زرروانی

و

زرتشت

# تی دانشتند و ادیبان

دیگر

مانند

دین

بودا،

یهود و

یونانی

# تیز پدروان ی

دانشتند

مغان

دیر این



# دوران رهبران دینی

قوم

خود

پودند و

# در انجمن مغان

که

یکی از

دو

# مجلس

# مشاور

# تی

# اشکانیان

# ی

# بوده‌اند

ست

شدرکت

جنگ ها

# سی ایرانی و روم



حادثه‌ها

ی که

# خاویز را

تکابن

داد

جنگ

روم

با

مهر داد

ششم،

شاه

پوینت

و

# همیما

# نش



تیگزراين

، شاه

# ارمن ستان،

# در زمان

# پادشاه

ی

سپتتر

وگ،

شاه

اشکان

نی

بود.

پس از

شکس



ت

قطعی

# ایین دو شاه

انز

روم،

قلمرو

روم

به

طاریز

خطارینا

کی به

# میرزا ایرانی

نزدیک

شد



# ایین شکس

ت

هم ز ما

# ن پ پادشاه

# سی فرهاد

سروم

روی

داد.

سدر انج

ام

لیسین

# یویس کراسو



س  
یکی

انزسه

تریوم

# ویدر اتو

# س

# روم که در

# آین زمان

# فرمانند

# الر

# سدریه

# بود

همدو

ره



پادشاه

سی اُرد

دوم)

در

سلسله

۵۴

# پیش انز

# میلااد

# همراه

یک

سپاه

# هفت

# لژیپونی

# بدون اعلان



جنگ

با

# هَدَف

# اشغال

ایرانیان

انز

# فرات گذشت

ت. اما

تتجه

# نبرد برای

رومیا

ن

مصیب

ت با بر



بود

چرا که

سپاه

روم

در

نبرد

حزین

(کاره)

( انز

سپاه

ایرانی

به

# فرمانند

# هی

# سورشا سردایر



# بزرگی ایراننی

شکس

ت

خورید

و خورد

و

سیداهیا

نشانی

دم تیغ

# گذش

# تتد.

# ایین

# نخس

تین

نبرد انز



# رشته جنگ ها

ی

ایپران

# و روم بود که

تا

پاپایان

# دوره ساسانیان

# نمی به درازیا

# کشید!

# بهانه

آغاز

بیشتر



# ایین جنگها

زیر

نغوذ

در آوريد

ن

# ارمن ستان

بود که

سدر انج

ام به

یمن

# جنگ آوری

و

سیدالین



ت

اشکاکا

# نیداین

# دیر

# زمان بدانش

یکم

) ۵۱ تا

۷۹

میلادی

( به

منطقه

# نغوذ

# ایرین

# تبدیل

# شد.



اما انز

پس

# مرگ بدانش

یکم

بدایینی

خاننما

ن

# سوز دامان

# اشککا

# نیاین را

گرفت

، این

بنا

همانا



سدریک

ششی و

سودا

ی

تخت

وتاج

# در میان

شاهزادگان

دگانه

# و امیرزیا

# دیگان ایران

# بود بدایی



که

موجب

زاتت و این

نم و این

پیروی

رزمی

ایرانیان

در

برابر

روم

گردید

و در

نتیجه

آن

رومیا

ن



توانیس

تند

سه

بایر

# میدانزرو

# داین و

تیسفون

ن را

در

سوالها

۱۱۶۴ ی

میلادی

# (در) زمان

# پادشاه

ی



# خسرو و

# تراپیانو

س،

۱۶۵

میلادی

) به

فرمانند

# هفی آویدیو

# س کلیسیو

س و

در

# زمان پادشاه



# سی بدانش

چهارم

(و

# آخرین بازر در

سلسله

۱۹۸

# میلادی

به

دست

سپتیم

ولس

سدر و رو

س و

در



# زمان پادشاه

# سی بدانش

پنجم

تسخیر

# نمایند.

# اما

شاهان

اشکان

نی با

و جود

ستیز

پدویس

# ته با گردنک



# شاهان داخلی

هرگز

به

# رومیا

# ن

# اجازت نمیدهند

به

سدرزم

# پین اصلی

ایرانیان

نغوذ

# نمایند.

## پایان



# کایر اشکاکا

# بیان

# سدر انج

# ام گشتم

# کشش ها

ی

داخلی

و

شک

ستتها

# سی خارج

ی

حیثیت



واپس

ین

شاهها

ن

اشککا

نی را

بیرباد

داد

آخرین

جنبش

سی که

به

# پادشاهان کلیتر

# اشکانیان

# تاریخ



# انجرام ید انز

پارسی

و به

رهبری

ارشدش

# پیر بابکا ابن

آغاز

شدد.

وی

در

سلسله

۲۲۴

میلااد

ی بر



اردو

ن

چهارم

شودر

پد:

اردو

ن ن

ن ن

# ارزش

پیر به

سخت

# سی شک

ست

خورد



و خود

تیز

# هنگام

# بپرد

کشته

شده .

اردش

یر

احتمالاً

ساز

سلسله

۲۲۶

میلااد

ی دیر

تیسفون

ن



# تاجگردنا

ری

نمود

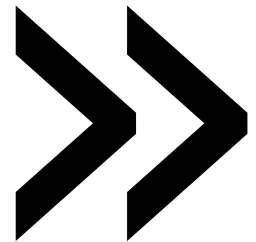
و خود

را

شاه

»»

# نشانه



خویشاوندان

پدین

تزییب

دفتر

# دوره اشکانی

تبدیل

(انز)



حدود

۲۳۸

# پیش انز

میلااد

تا

حدود

۲۲۶

میلااد

(ی)

بسته

شدد

اما باید

شکوه

شادان

چندان



# دیر جهان

زندگی

بود

که

یکصد

■ ■

# و پنججاه

سلسله

پس

انز

سفقو

طششا

ن

# امپریا

# تور



# روم یولیانو

س

ترجیح

داد به

او

لقب

فاتح»»

# پادشاهی

# ا»

# دهند

# پاد

# شاهها

# ن

سلسله

له



# اشکانی

# کی

1-

ارزش

ک ،

اششک

اول

2.

تیرداد

اول

# اشک

# دوم

3-

اردو

# ن اولی،



# اششک

# سدوم

4-

فری

# رایت



# اششک

# چهار

م

5.

فرها

د

# اول



# اششک

# پنجم



6-

مهری

اد

اول

# اشکانیان

ک

ش

ششم

7 -

فرها

د

دوم



# اشکانی

# ک



هف

م

8-

اربا

وین

دوم

# اشکانیان

ک

هش

م

و

مهر

داد

دوم





# اشکانی

# کی

نهم

10.

# سین

# تاریخ

ک،

# اشکانیان



دوم



11 -

# فرها



سو



# اشکانیان



# ریاضد



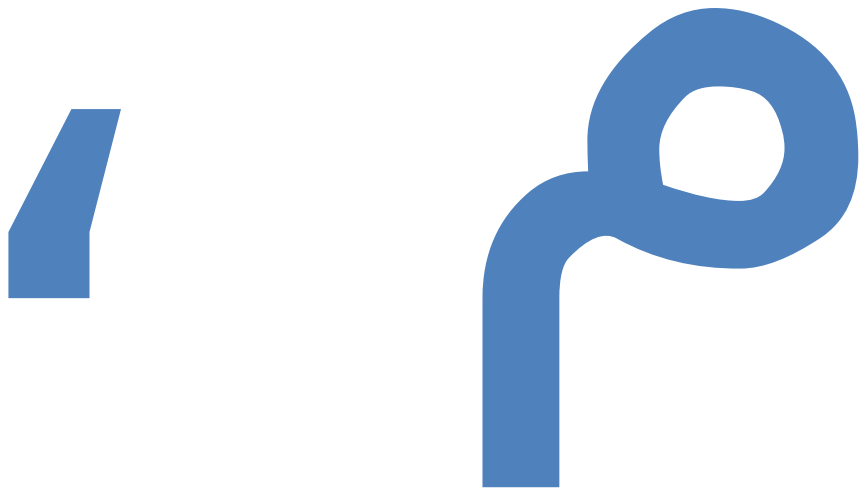
هم

12 -

مهر

# داد

سو



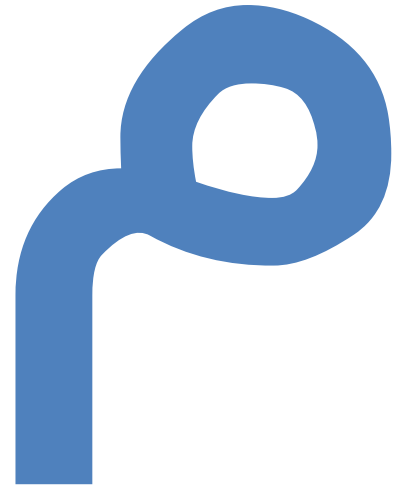
# اشکانیان





# دوا

# زندگه



13 -

ارد

# اول



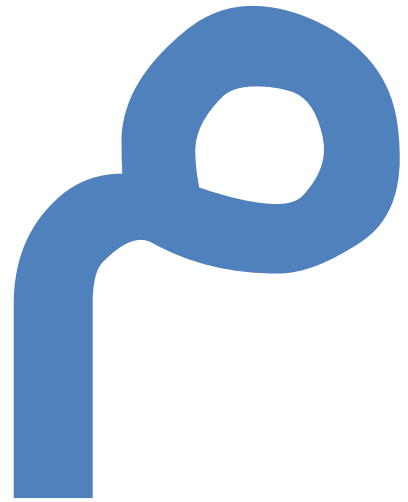
# اشکان





سی

# زندگه



14.

# فریه











# اشکانیان





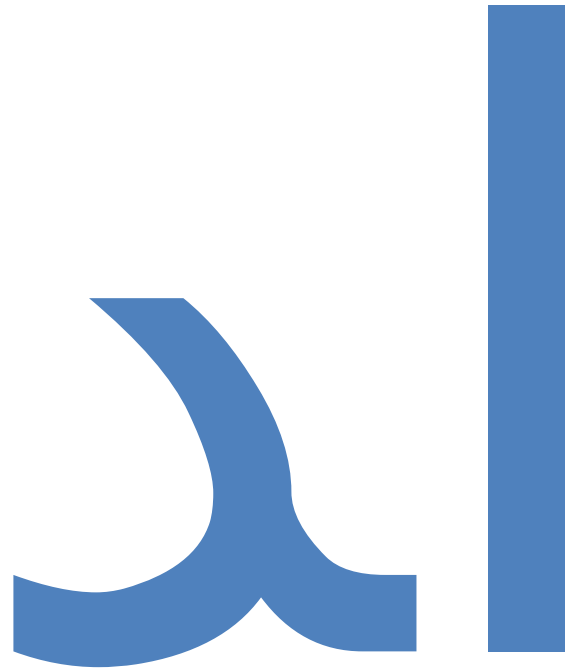
دوم

15

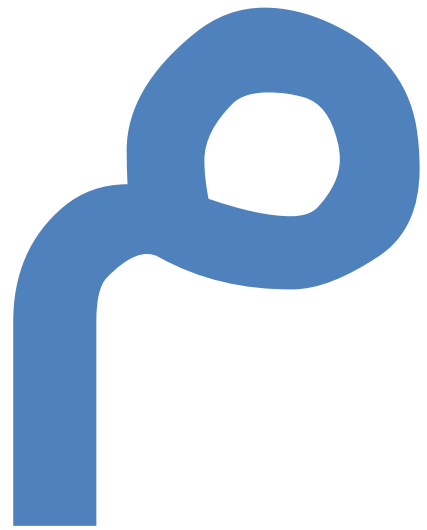




# فریه



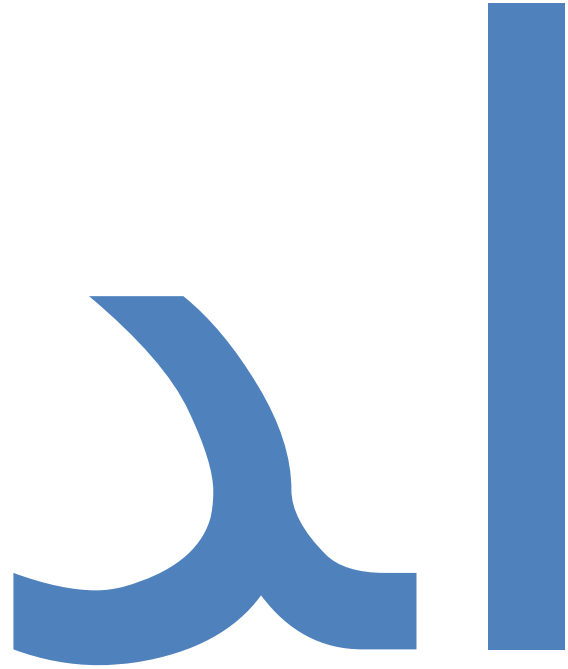
سج



ج



# فریه







# اشکانیان



# پادشاهان

دوم

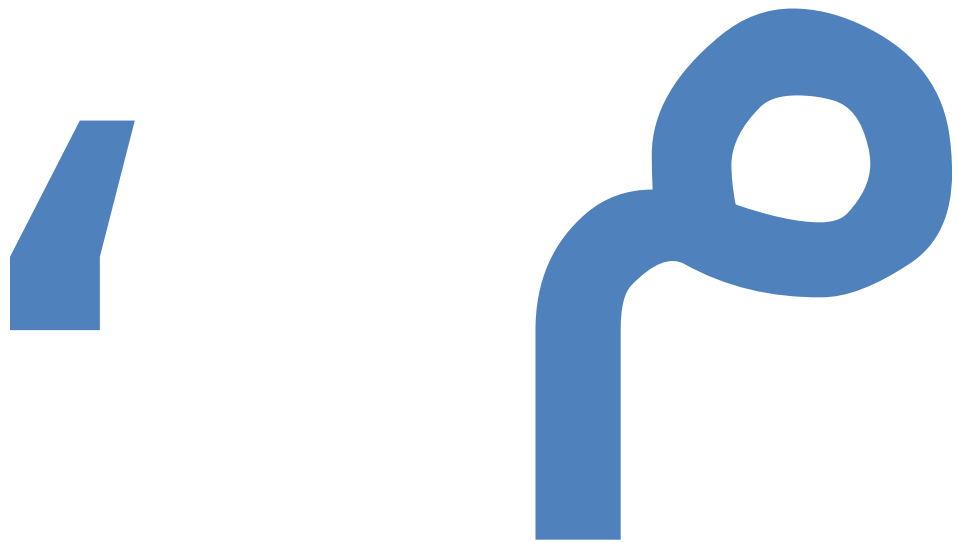
16



اورد

دو





# اشکانیان



ش

زند

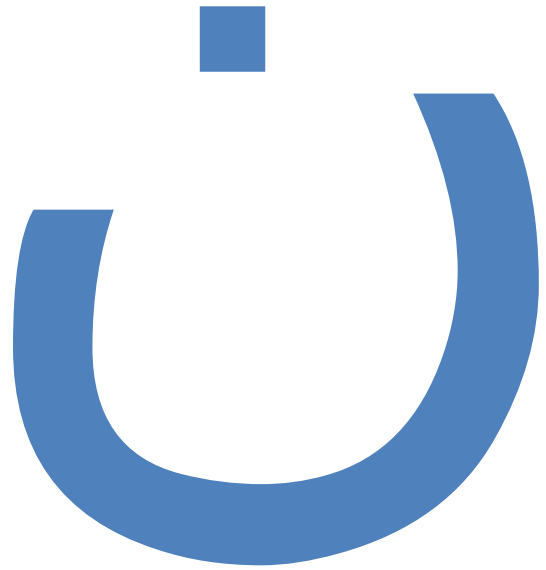
هم

17





# وین



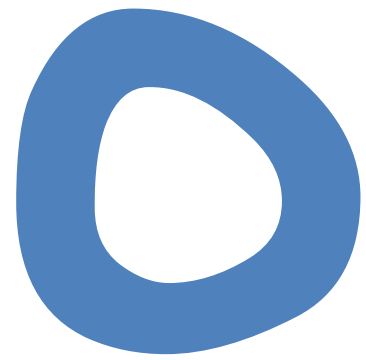
# اول





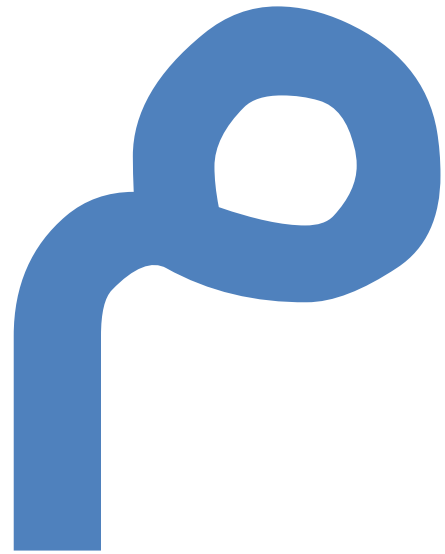
ش







# فدیه

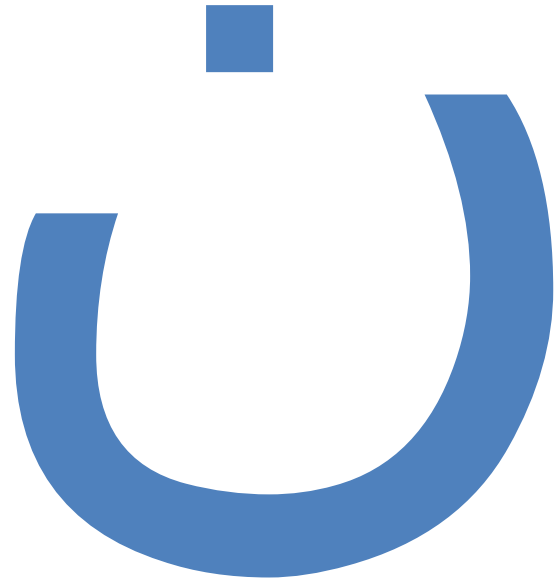


18



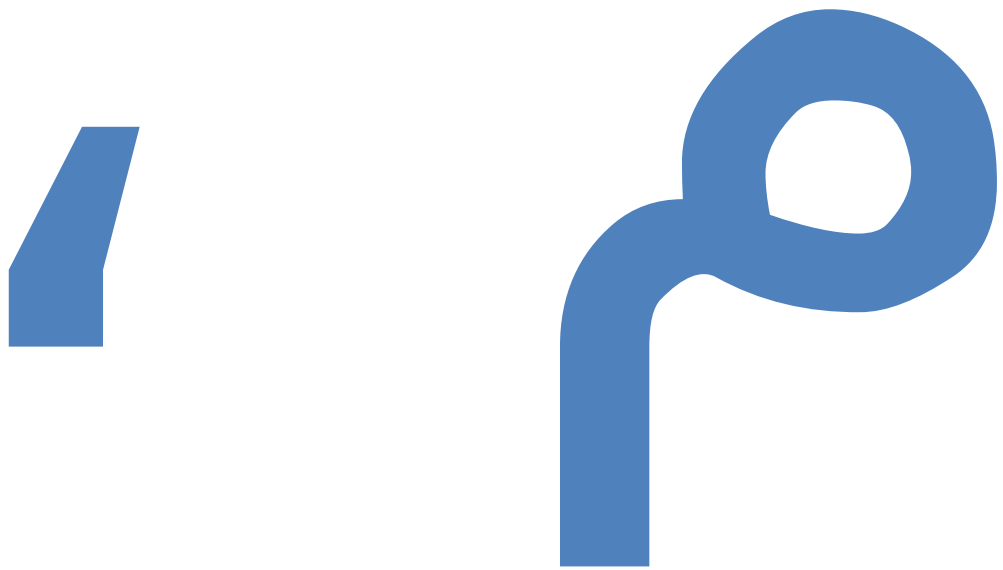


وا



سو





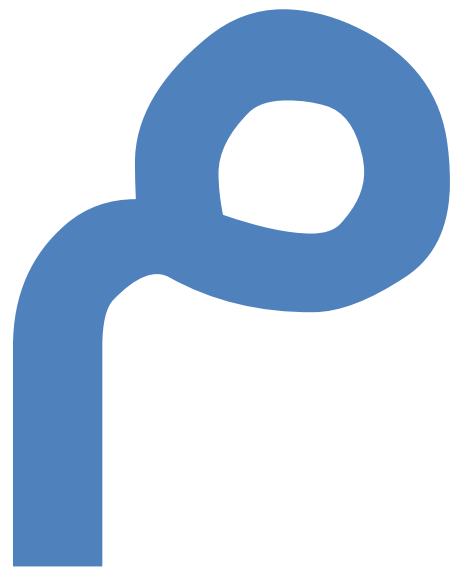


ش



هج

ده

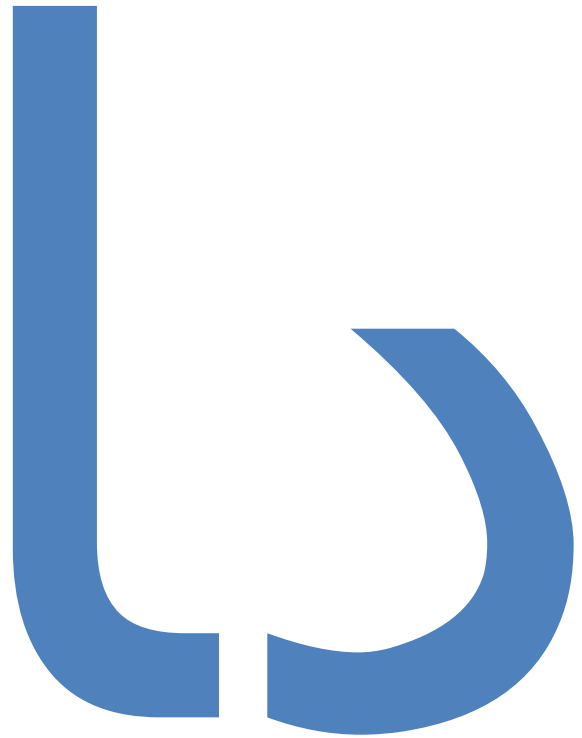


19





ور







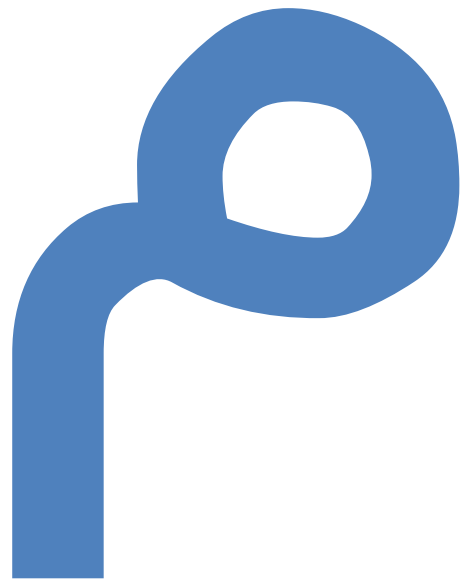
ش



# زوز



ده



20













ش



بی

س

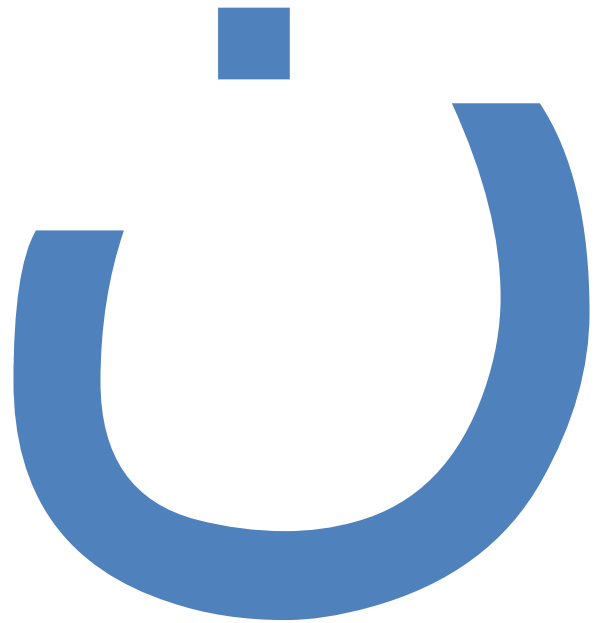


21

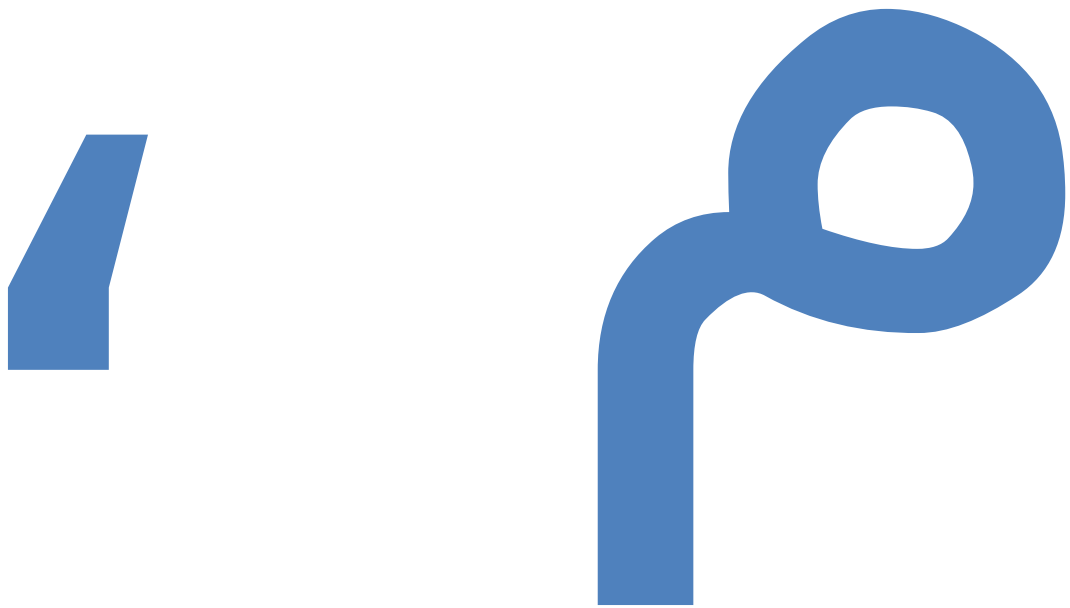


# وزن





دو





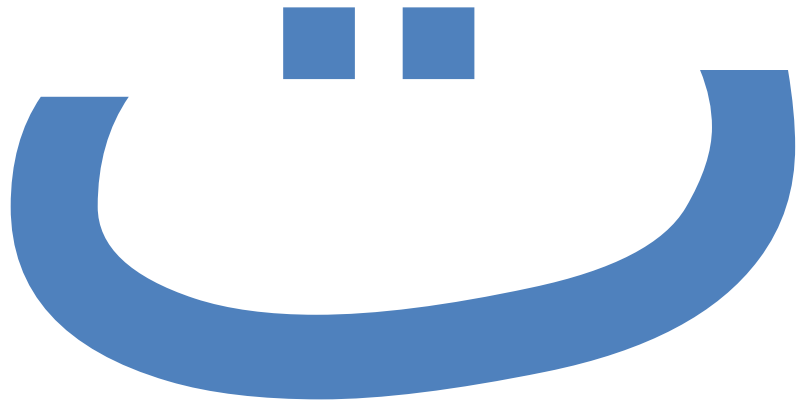
ش



بی

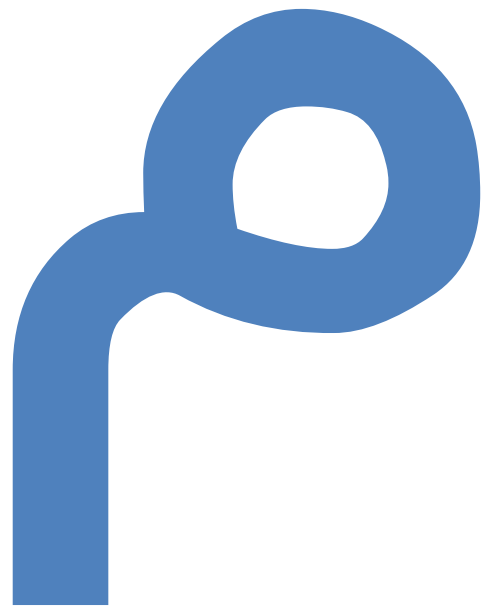
س











22





ش



ا







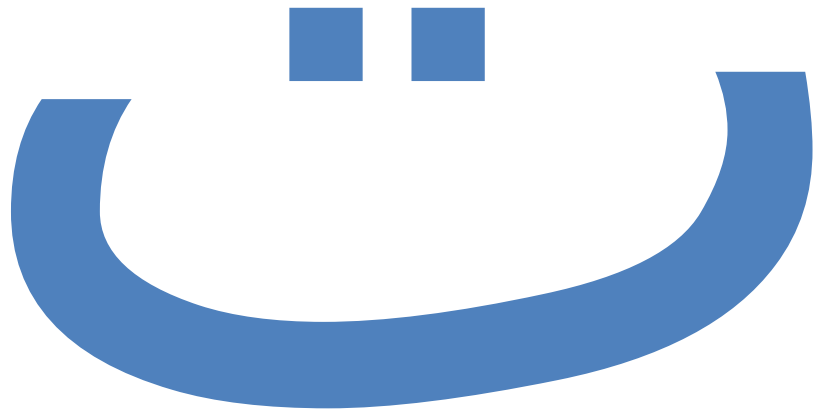
ش



بی

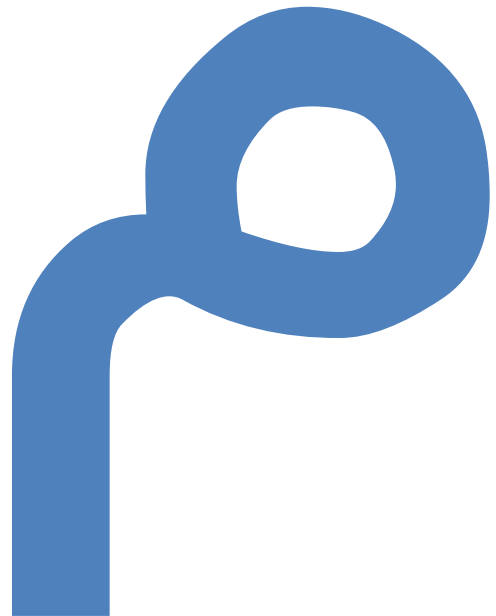
س







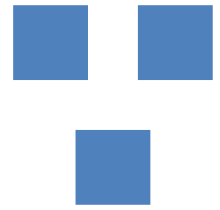
دو



23



ل









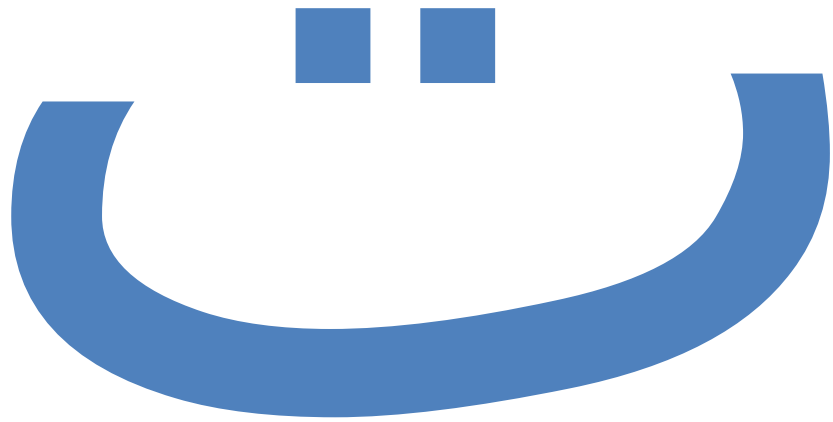


ش



بی

س







س

وم

24





س







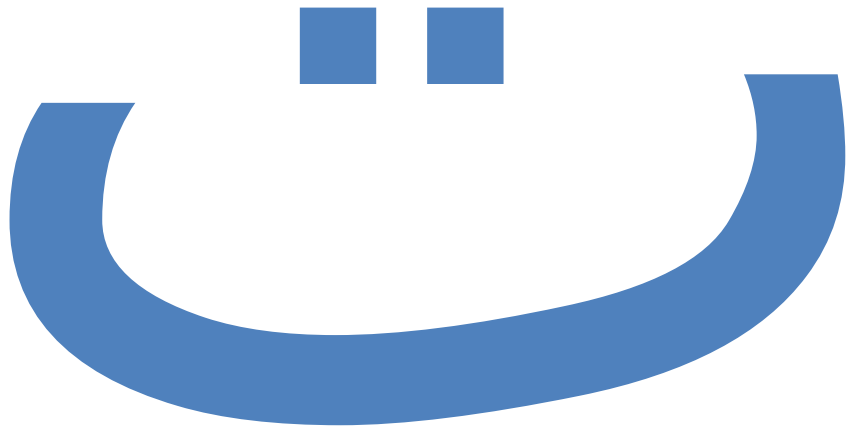


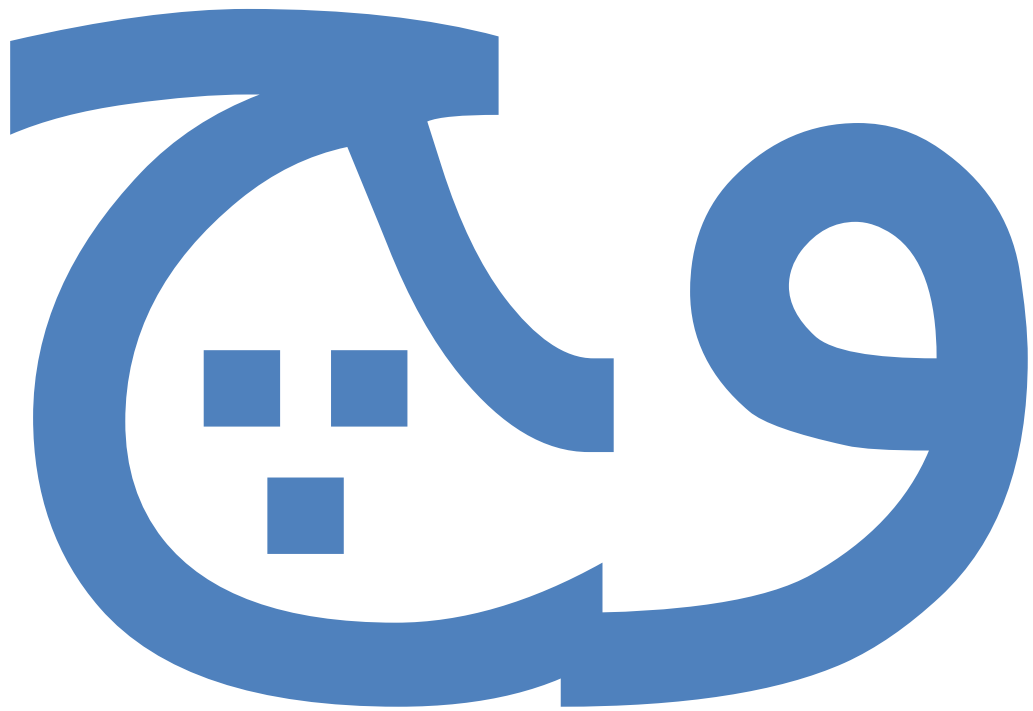
شش



بی

س





ها





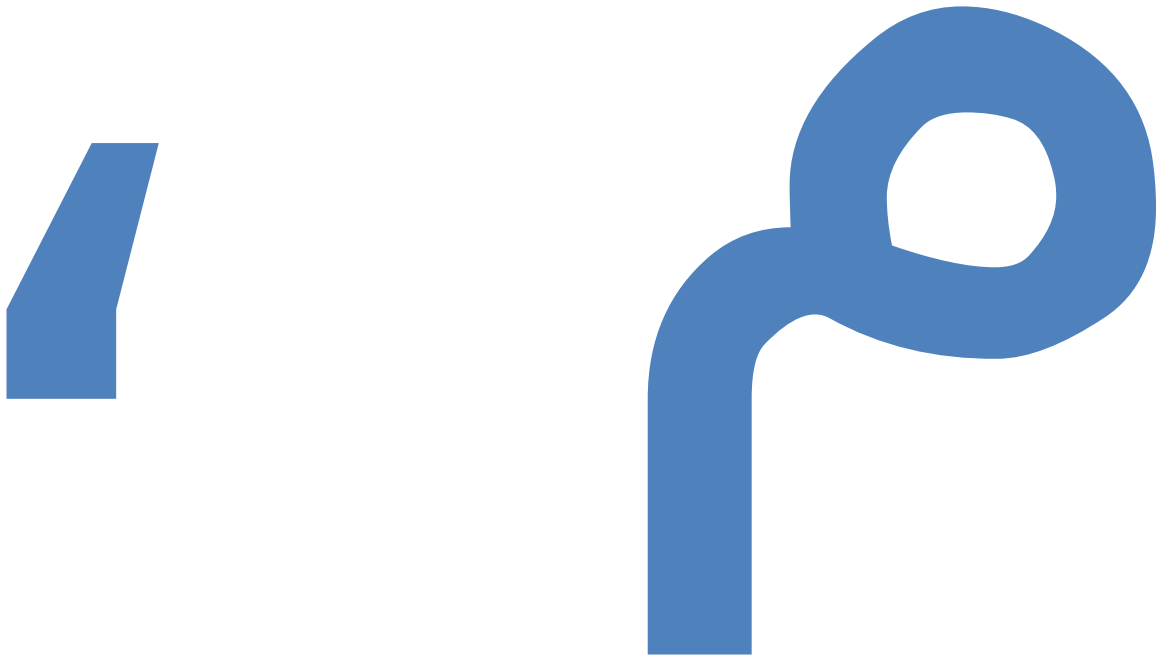
25





شش

دو





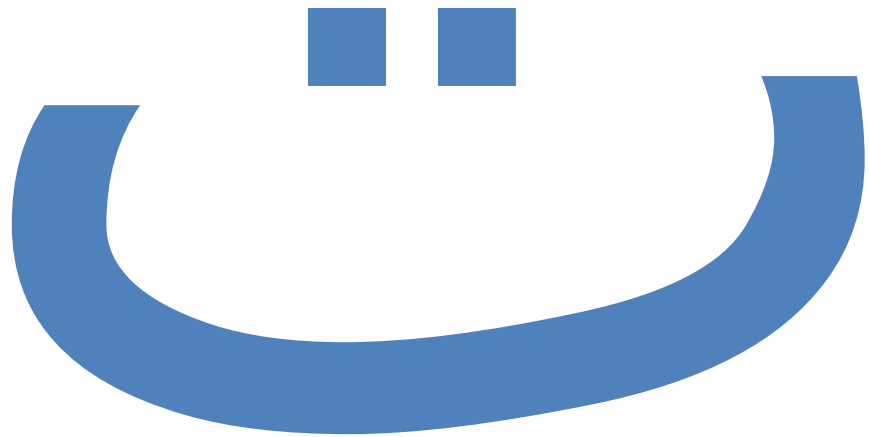


شش



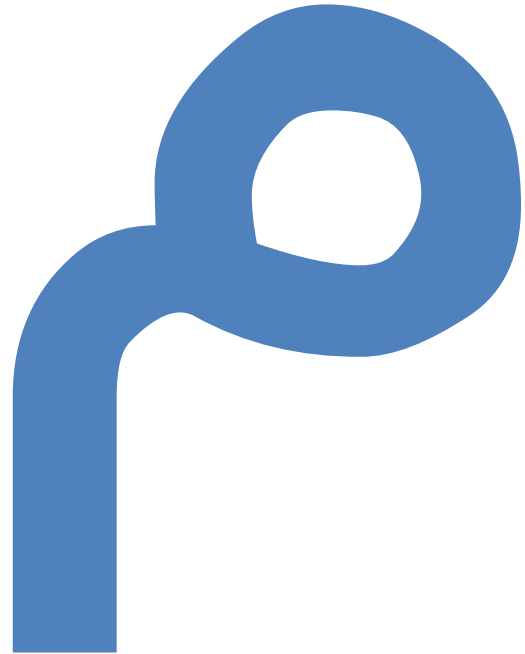
بی

س

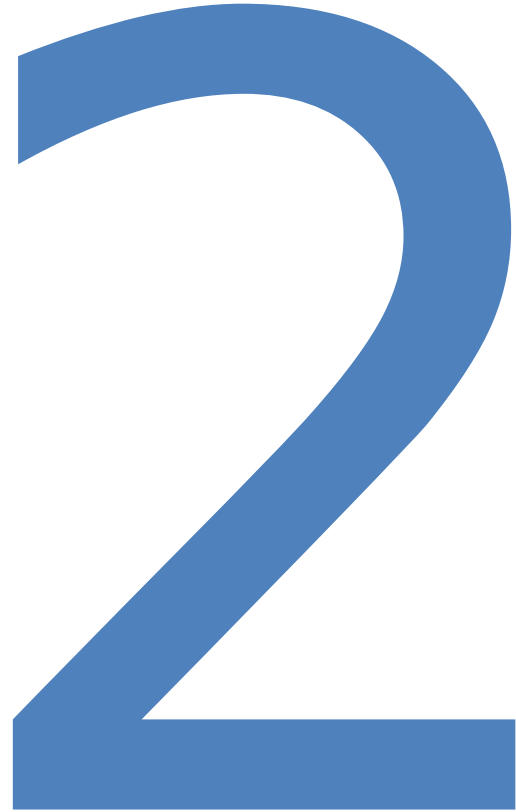












6





ش

س

وم





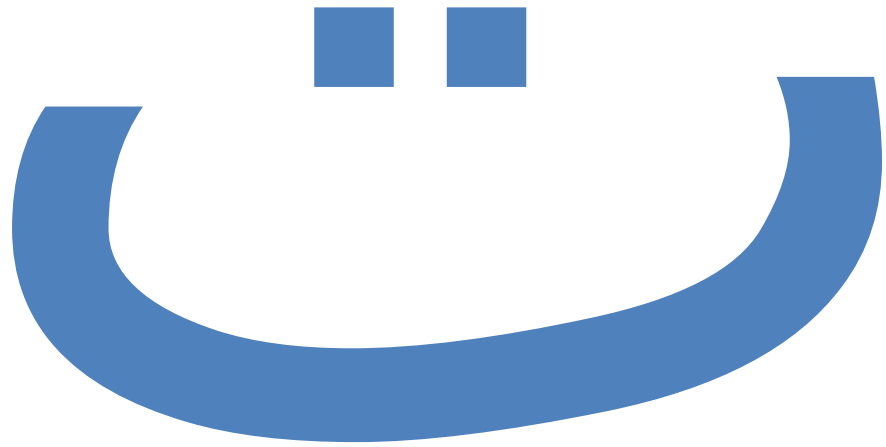


ش



بی

س

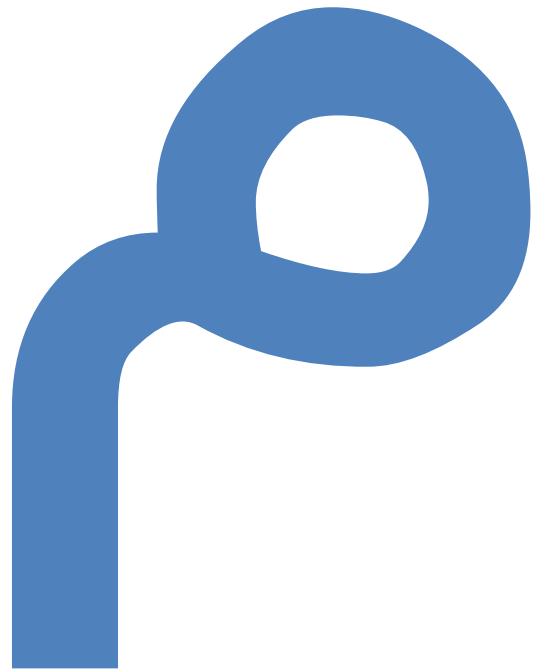




ش

ش



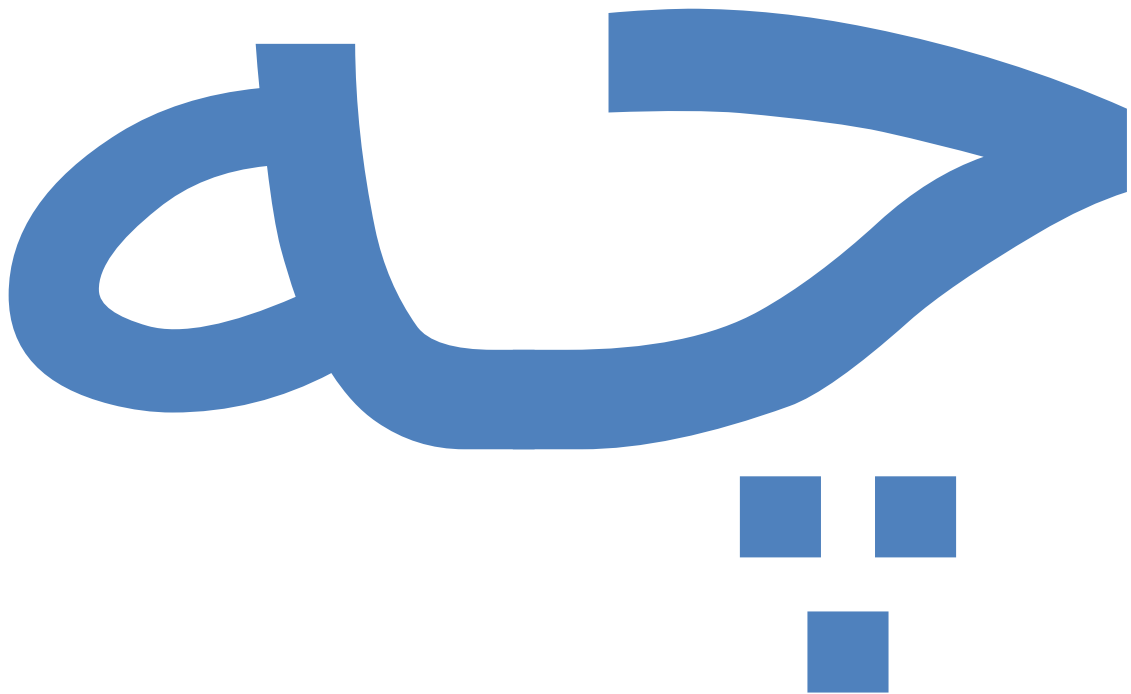




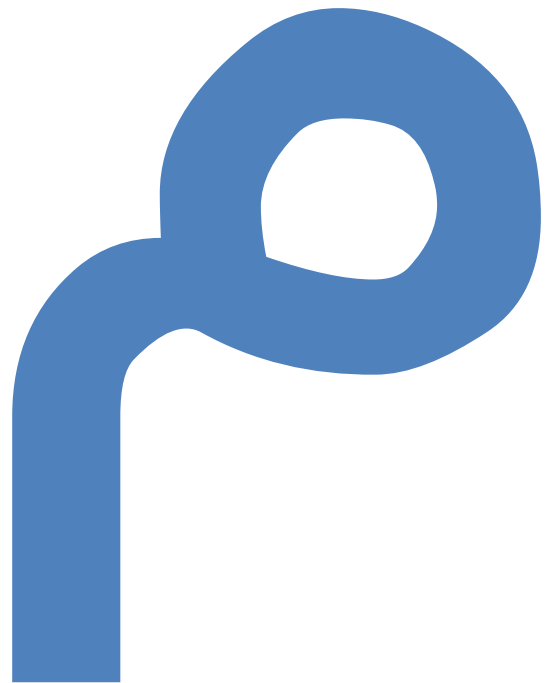




ش











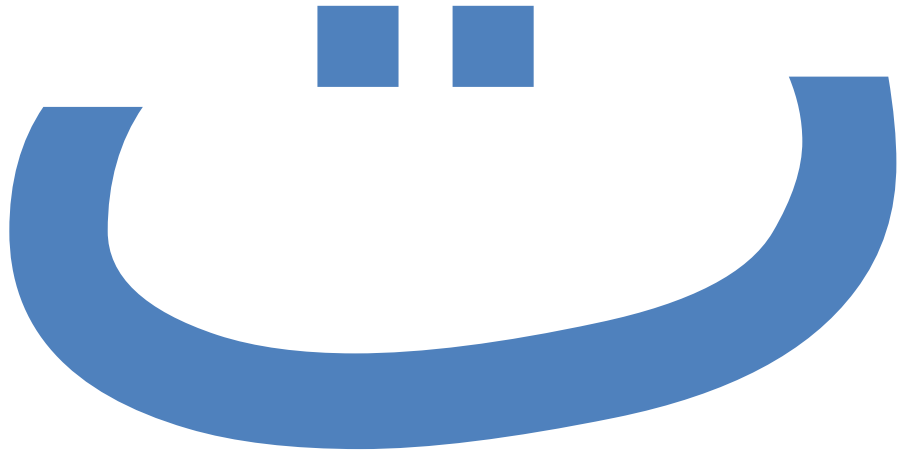


ش



بی

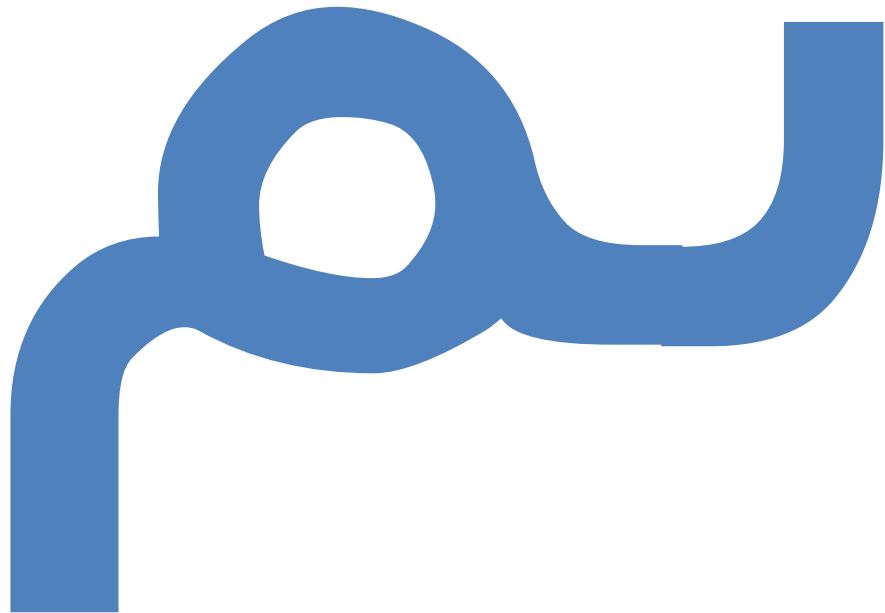
س



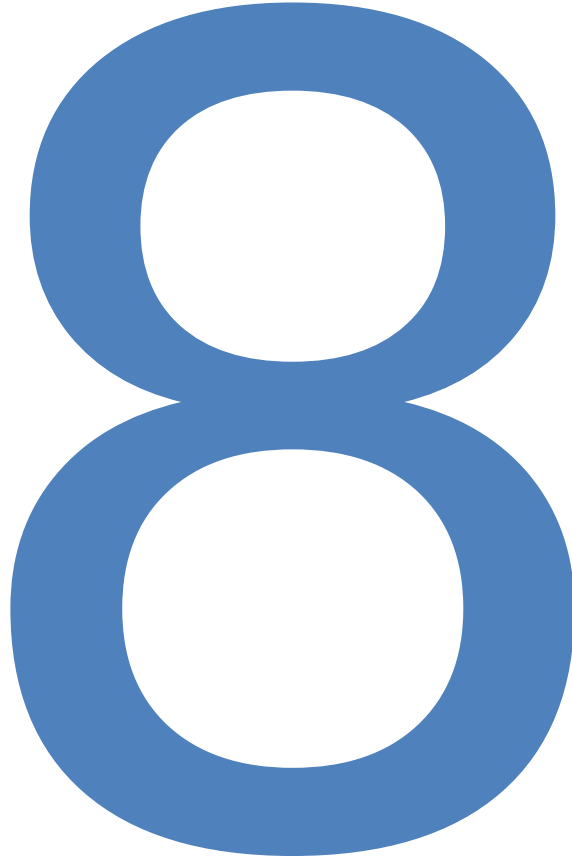
وده











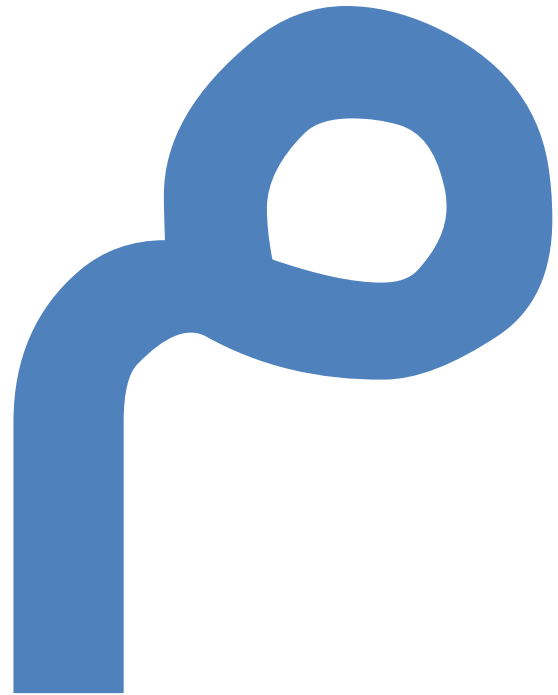


ش











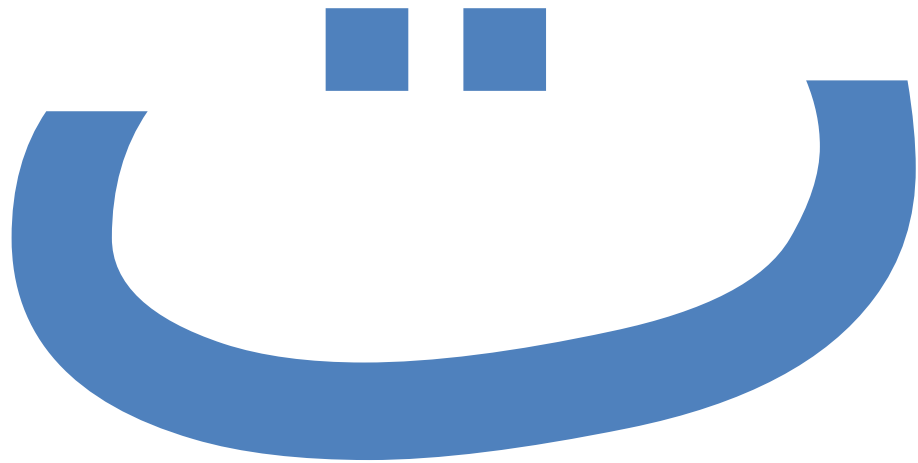


ش



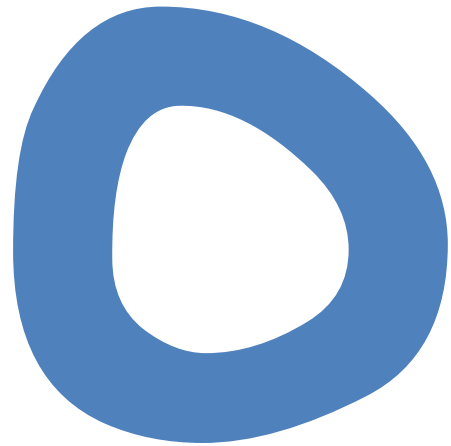
بی

س

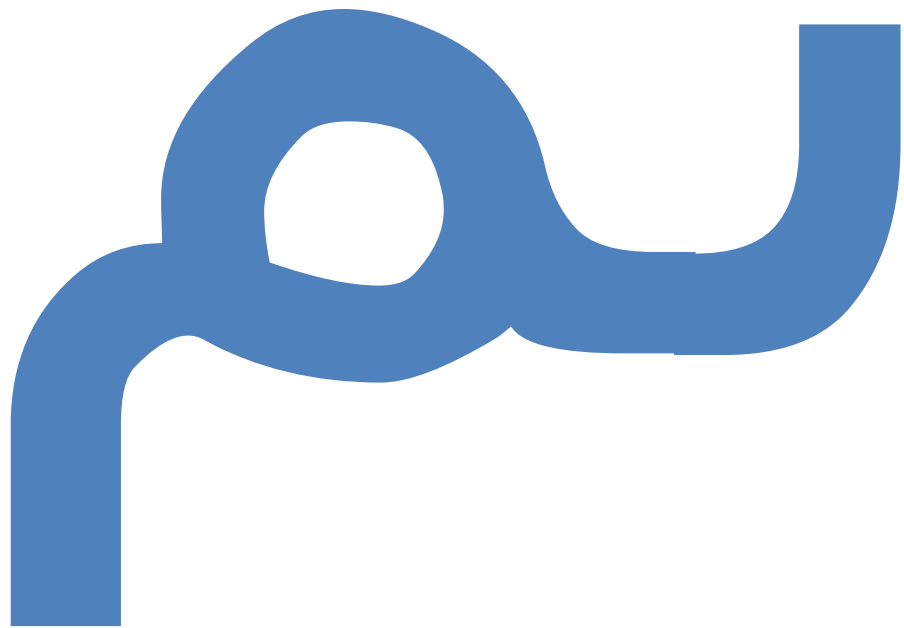




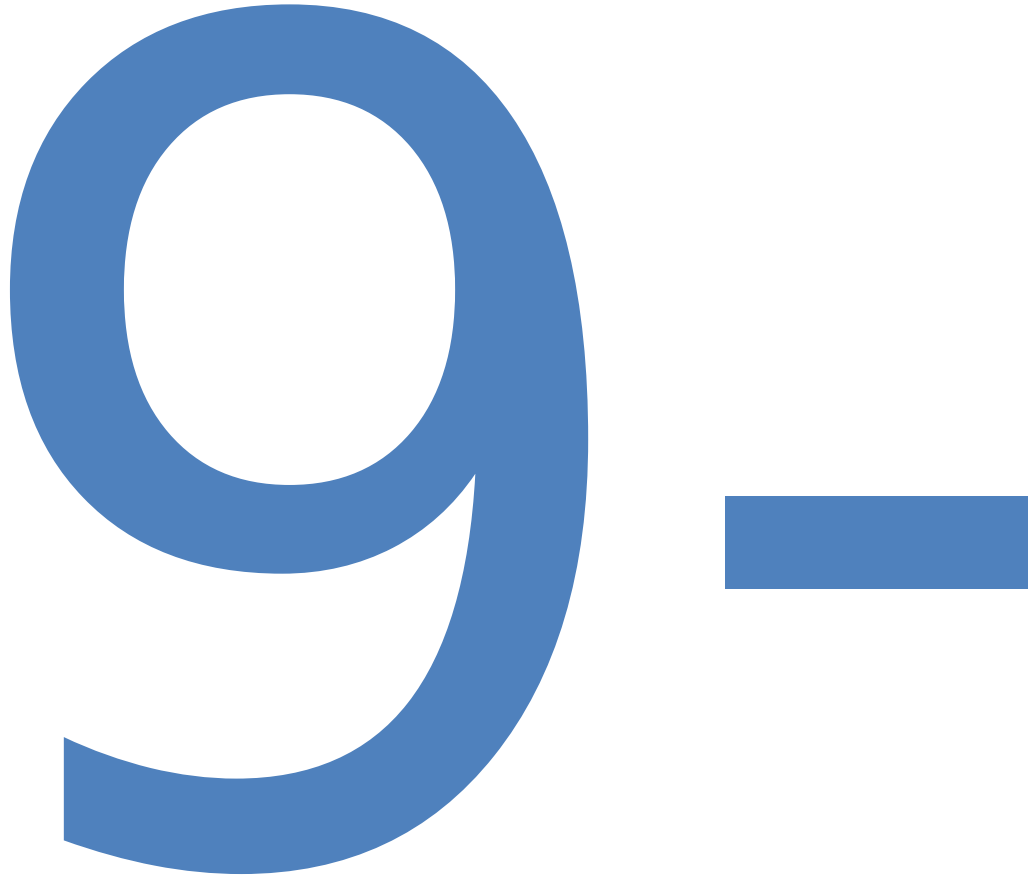




ش





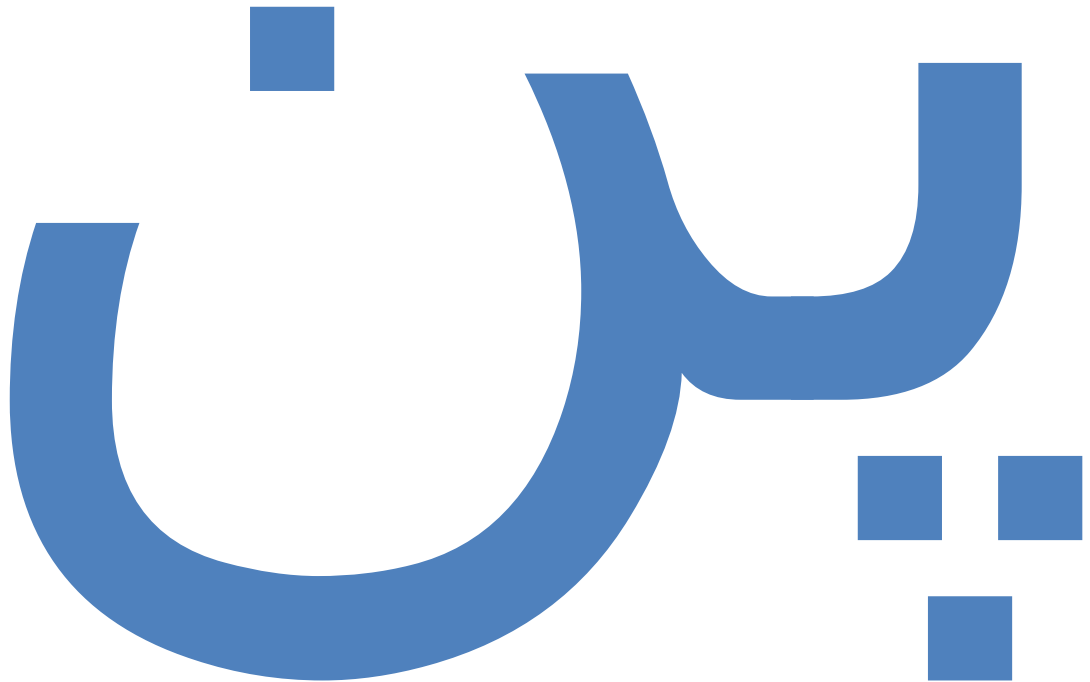




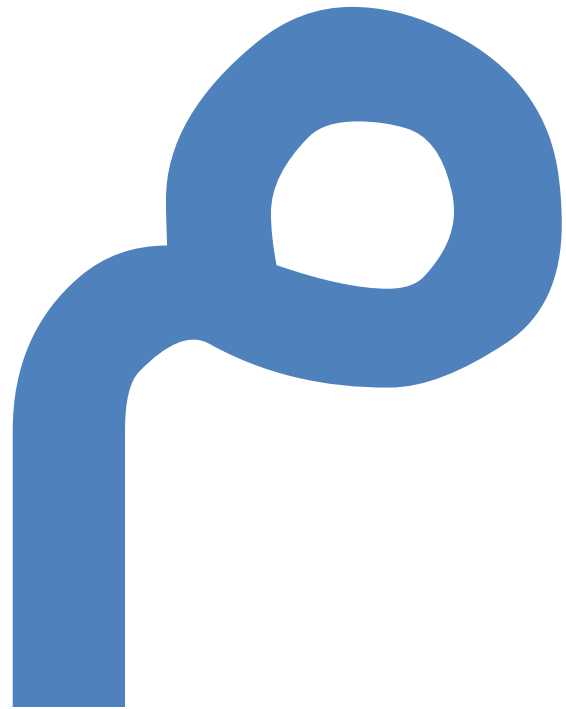




از











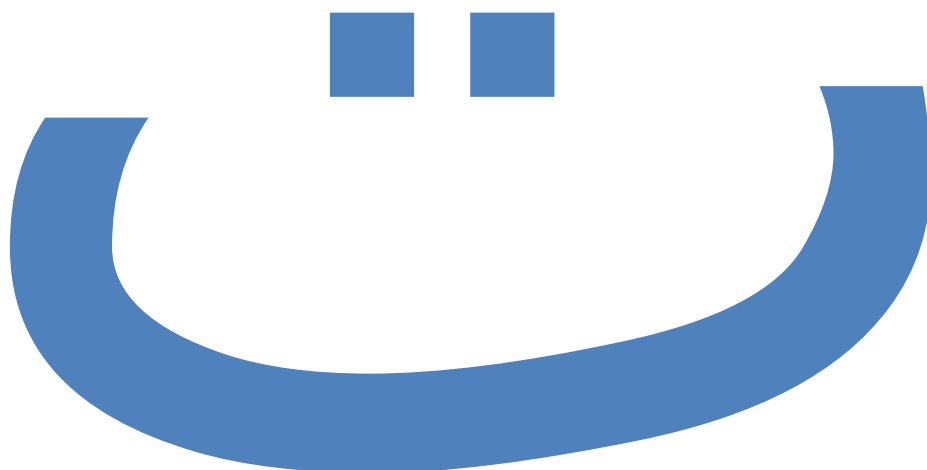
ش





بی

س





نه

